



آیت الله جوادی آملی مطرح کرد: اگر آدم رابطه اش را با خدا درست کند رابطه اش با مردم هم درست می شود

آیت الله جوادی آملی با اشاره به حدیثی از امیرالمومنین (ع) بیان می دارد با توجه به اینکه قلوب مردم در دست خداست، بنابراین اگر کسی رابطه اش را با خدا درست کند، رابطه او با مردم هم درست می شود.

آیت الله جوادی آملی با اشاره به حدیثی از امیرالمومنین (ع) بیان می دارد با توجه به اینکه قلوب مردم در دست خداست، بنابراین اگر کسی رابطه اش را با خدا درست کند، رابطه او با مردم هم درست می شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در یکی از جلسات درس اخلاق، با اشاره به حدیثی از امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه، به لزوم اصلاح رابطه انسان با خداوند و تأثیر آن در روابط با دیگران اشاره کرده و بیان می دارد: برای اینکه هویت انسان و قلمرو هستی هر کسی مشخص شود يك بیان نورانی حضرت امیر (ع) دارد که فرمود: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَهُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» [۱] اگر کسی رابطه خودش با خدا را درست کند، رابطه او با مردم هم درست می شود، مگر نه آن است که مردم قلوب آنها در دست خداست، مگر نه آن است که مردم جنود و سپاه و ستاد الهی هستند، چه کسی بر دل های مردم مسلط است، چه کسی بر زبان های مردم مسلط است، فرمود: «ضَمَائِرُكُمْ عُيُونُهُ وَ حُلُوتُكُمْ عِيَانُهُ» [۲] مردم سپاه خدا هستند، ستاد الهی می باشند، اگر ستاد الهی هستند، بین ما و خدای ما، صلح و صفا بود، نه بیراهه رفتیم، نه راه کسی را بستیم، ذات اقدس الهی بین ما و جامعه اصلاح می کند، نه کسی بد ما را می خواهد، نه با ما بد می کند، «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَهُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» ،

وی در ادامه به نقش نفس لوّامه در هدایت انسان و جلوگیری از نابودی و انحطاط او اشاره کرده و بیان می دارد: «مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ تَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ» [۳] ما واعظ نیاز داریم؛ اما مهم ترین واعظ، واعظ درونی ماست، نه واعظ بیرونی. واعظ بیرونی ممکن است، کتابی بنویسد، یا سخنی بگوید که ما آن را مطالعه کنیم یا بخوانیم، اگر خواندیم ممکن است از معبر چشم بگذرد و اگر شنیدیم ممکن است از مسیر گوش عبور کند؛ اما آنچه از دل برمی خیزد، دلمایه می شود در درون اثر دارد، حرف واعظ درونی است، انسان باید حرف واعظ خودش را بشنود، در درون ما واعظی هست؛ منتها ما نباید این واعظ را خفه کنیم، این «نفس لوّامه» از همین باب است، این واعظ از همین باب است که خدا به این «نفس لوّامه» [۴] سوگند یاد کرده است. اینکه مرتب ما را ملامت می کند که چرا آن حرف را زدی، چرا آن کار را کردی، چرا آن غذا را خوردی، این واعظ است. «وَعِظٌ» ، سخنرانی نیست، سخن خوانی نیست، کسی مقاله ای بنویسد به عنوان سخن خوانی، آن را بخواند، این وعظ نیست، کسی سخنرانی کند وعظ نیست. اگر آن «جَذَبُ الْخَلْقِ إِلَى الْحَقِّ» فراهم شد وعظ است «الوعظ ما هو؟ الوعظ جذب الخلق الي الحق» اگر سخنی ما را جذب کرد، جاذبه داشت، ما مجذوب او شدیم، دلربایی کرد، او می شود واعظ. فرمود: اگر کسی در درونش چنین واعظ و نیروی جاذبه باشد، این به مقصد می رسد و خدای سبحان او را حفظ می کند.

(درس اخلاق ۹۳/۱۱/۲۳)

[۱] . نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۸۹.

[۲] . نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه ۱۹۹.

[۳] . نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۸۹.

[۴] . سوره قیامت، آیه ۲؛ وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ.